

روزنه

واکنش به توہین‌های روزهای اخیر به هاشمی:

غلامعلی رجایی: اگر دین ندارید لااقل آزاد باشید

● سخنان «سعید قاسمی» درباره مرحوم آیت‌الله «هاشمی‌رفسنجانی» و نحوه درگذشت او، همچنین انتشار تصویری از آیت‌الله بعد از فوت، با واکنش‌هایی روبه‌رو شده است. «غلامعلی رجایی»، مشاور رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام، در کانال تلگرامش یکی از تصاویر منتشرشده از پیکر آیت‌الله را دستکاری‌شده دانست و خطاب به جاعلان آن نوشت: «جاعلان اگر دین ندارند، لااقل آزاد باشند». عکس و متن زیر در کانال غلامعلی رجایی منتشر شده است: «الان دوستی این خبر را به نقل از سایت خبرچین نیوز برایم فرستاد و از من خواست تکذیبیه‌ای بر این خبر دروغ بنویسم. از این سایت یا درج عکس دستکاری‌شده، از قول من به دروغ نوشته رجایی هم این عکس را تأیید کرده!!! زمانه بسیار بدی شده و ایمان بعضی‌ها به تاراج جعل و دروغ برده شده است». رجایی در ادامه نوشت: «عکس پیکر مظهر هاشمی را که دیشب منتشر کردم، آقا یاسر حدود شش ساعت پس از فوت این عزیز و بعد از اتمام غسل و کفن پیکر و وقتی از کنار آن بیرون رفتم تا خانم‌ها یا پیکر هاشمی وداع کنند، گرفت و من تا دیروز نمی‌دانستم کسی و ازجمله یاسر، از پیکر عکسی گرفته است والا در یادداشت‌م به آن اشاره‌ای می‌کردم. یاسر دیشب که یادداشت‌م را دید، عکس را برایم فرستاد که با این عکس دستکاری‌شده منتشرشده در این سایت و بعضی گروه‌ها، تفاوت‌های آشکاری دارد. مجدداً عرض می‌شود و با مقایسه دو عکس اصلی و دستکاری‌شده توسط جاعلان و سیه‌دلان به‌خوبی پیداست که درصورت آقای هاشمی هیچ نشانه‌ای از زخم، خون یا کبودی وجود ندارد. به نظر می‌رسد پیروان ماکبول برای جالاندازی یک دروغ به چه شیوه‌های کثیفی متوسل می‌شوند. رحمت خدا بر آیت‌الله جوادی‌املی که در مراسم ختم مقتم هاشمی در قم، با دلی شکسته گفت: هاشمی مظلوم است، حیا و میتا. جاعلان و دروغ‌سرایان اگر مسلمان‌اند، بگذارند فرزندان دادگذار و مصیبت‌زدگان هاشمی با این داغ تنها باشند و اگر به شریعت پایبندی ندارند، لااقل آزاد باشند. همچنین به گزارش ایسنا، «مجید انصاری»، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری، در حاشیه مراسم بزرگداشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی که در حسینیه جماران برگزار شد، در پاسخ به سوآلی درباره توہین برخی افراد به آیت‌الله‌هاشمی‌رفسنجانی در روزهای گذشته، گفت: «شخصیت‌های بزرگ و اثرگذار در نظام جمهوری اسلامی به موازات اثرگذاری و بزرگی‌شان هم در زمان حیات و هم در زمان ارتحال، مورد حمله بدخواهان بوده و هستند. هنوز مشاهده می‌کنیم خود حضرت امام(ره) نیز با وجود آنکه ۲۷ سال از ارتحالشان می‌گذرد، برخی رسانه‌های صهیونیستی و ضدانقلاب ایشان را تخریب می‌کنند و آیت‌الله هاشمی نیز از این داستان مستثنا نیست. ما نیز نباید از عوامل اسرائیل، به‌ویژه منافقین، انتظاری بیش از این داشته باشیم».معاون حقوقی رئیس‌جمهور با بیان اینکه در زمان حیات حضرت آیت‌الله هاشمی ایشان را یک‌جور تخریب می‌کردند و پس از درگذشت ایشان نیز به گونه‌ای دیگر، افزود: «پادشاه حضرت آیت‌الله را مردم در مراسم تشیع ایشان و مراسم‌های میلیونی در همه کشور در دست آنها گذاشتند».انصاری افزود: «مردم فهیم ایران پاسخ ی‌پاوه‌گویی‌های آن افراد را دادند و پاسخ این پاوه‌سرای‌ها را نیز با حضور خود در صحنه و حمایت از یاران انقلاب و همراهان آیت‌الله هاشمی و رهبر انقلاب خواهند داد. من امیدوارم دوستداران انقلاب خودشان متناسب با حضورشان در صحنه و تقدیرشان از آیت‌الله هاشمی و خاندان ایشان و همه یاران امام(ره) پاسخ این اقدامات غیرانسانی را بدهند».«سعید قاسمی» در سخنانی که هفته گذشته از او منتشر شد نوشت: «اصلاح‌طلبان پدربزرگی داشت که قسمت است دیگر، ... گفته‌اند خدایا زیر تریلی بروم، در این مسیر، در این جاده‌ها صاف بشوم؛ اما این‌جور نمادین که ۲۰۰ تا پادیکار داشتیم؛ با بشم، یک ماشینی آمبولانس با چهار، پنج‌تا دکتر ویژه که ضرران قلمب رفت بالا آمد پایین بدوند. یک بیمارستان حضرت امامی که چهار‌تا خانه با خانه من فاصله داشته باشد و آن کادر بیمارستان ناراحت‌اند، می‌گویند هر هفته که این خانواده می‌آیند اینجا چکاب نهایی می‌شوند، آمرانه برخورد می‌کنند؛ مثل ارباب رعیت. این را هم داشته باشید. یک‌دفعه آخر کاری در استخر «وی‌آبی» فرح در سعدآباد سخته بزنی که... و بعد بدو بدو نیم‌ساعت هم طول بکشد که لباس تت کنند بپرند بیمارستان شهدای تجریش. معروف است، بیمارستانی که سرما بخوری بیروی آن تو، شکلات‌پیچ برمی‌گردد. وقتی ببرند آنجا می‌گویند یک ساعت است دیر آورده‌اید... خدایا برای من یک فرصتی بده یک مدلی که وقتی لاله‌الله می‌گویند در مسجد یا هیئت، نمی‌خواهم. نخ تسبیح جریان انحرافی پاره شد. هرچی بخوانند بدوند اینها الان آدم بترشد، دیگه ما به آن مسیر بر نمی‌گردیم».

ادامه از صفحه ۶

آماده انتخابات ریاست‌جمهوری می‌شد، به‌رغم وجود چهره‌های سیاسی و فرهنگی جوان‌تر و حزبی‌تر آقای هاشمی مجدداً اعلام کرد شایسته‌ترین فرد برای مملکت‌داری است. ایشان اواخر شهریور ۸۳ گفت «اگر همه به این نتیجه برسند که من برای ریاست‌جمهوری بهتریم، برای حضور در انتخابات تصمیم می‌گیرم» آن زمان ایشان بارها از احتمال عدم حضور خود در انتخابات خبر داد و تصریح کرد تنها اگر به این نتیجه برسد که فرد دیگری شایسته نباشد به خاطر منافع اسلام و انقلاب به صحنه خواهد آمد. اما در کمال تعجب در آستانه انتخابات ۸۴ به‌رغم وجود اجماع بر سر ایشان چون گروه‌ها و احزاب چه اصلاح‌طلب چه اصولگرا کاندیداهای خود را اتفاقاً از میان سرشناس‌ترین و برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی معرفی کرده بودند باز از نظر ایشان آن فرد دیگری که شایسته‌تر باشد پیدا نشد و ایشان ناچار شد بیاید و شد آنچه نباید می‌شد. رای‌ها متفرق شد و از منتهی‌الیه جناح راست که نابرابری و تبعیض را اساسا ذاتی و مقدس می‌شمارد جوانی جویبار نام با شعار عدالت و برابری به قدرت رسید. هاشمی شد مظهر الیگارش‌ی نخبگان حاکم، حفظ وضع موجود و مهارکننده جامعه مدنی و در برابر احمدی‌نژاد شد رابین‌هودی که آمده تا وضع موجود را تغییر دهد و نان را تقسیم کند. بی‌تردید رؤیایابی و پوپولیسم جذایت رومانتیک خودش را دارد و برای توده‌های محرومیت کشیده، عمل‌گرایی و نخبه‌پروری کسانت‌آور و زجر‌آور است. بگذریم، راجع به پاسخ سؤال شما بعضی‌ها گشایش‌های اندک سیاسی و فرهنگی دولت دوم هاشمی را افشار طبقه متوسط می‌دانند.

۴ سیر تحولی هاشمی از چه زمانی اتفاق می‌افتد؟

هاشمی را بدون شک می‌توان نفر دوم تمام عمر ۳۷ساله جمهوری اسلامی ایران نامید. چه در زمان رهبری فقید انقلاب و چه در دوران فعلی، به علت روابط هم‌سطح و رخ‌برخ و توان اثرگذاری و لابی‌گری او شخصیتی مؤثر و غیرقابل اغماض به حساب می‌آمد. بنابراین واقعاً نمی‌توان سیر تحول ایشان را چیزی خارج از سیر تحولات نظام شناخت. در یک نگاه کلی هاشمی همواره در مرکز تحولات سیاسی کشور ایستاده و نقش قابل توجهی در بیشترین رویدادهای پس از انقلاب داشته است. کما این که خاطرات ایشان هم نشان می‌دهد که لااقل از ۱۳۴۴ هیچ تصمیم مهمی در کشور گرفته نشد مگر با حضور و امضای ایشان. از سال ۸۴ نقش و تأثیر ایشان در تصمیمات کلان نظام کم‌رنگ می‌شود، بدون آنکه خود در خروج از حاکمیت پیش‌قدم شود. پس از انتخابات ۸۸ به‌رغم منطق محافظه‌کارانه‌ای که همواره راهنمای عملش بود تبدیل به نیروی معترض و طرفدار تغییر شد از روش کام به کام دست برداشت و در این مسیر عقب‌نشین نکرد. با رد صلاحیت در انتخابات ۹۲ چهره‌ای نمادین اصلاح‌طلبان و اصولگرایان میانه‌رو شد. جریان چپ و اصلاح‌طلب هم البته نقل‌تمركز خود را در محسوبی با ایشان گذاشت و قدرت‌یابی افراطیون را مهم‌ترین خطر برای انقلاب و کشور نامید.

۴ ولی همین‌جا تغییر ماهوی چه اتفاق می‌افتد. یعنی از دهه ۶۰ تاکنون چه بر همان سیاست توزیعی و عدالت اجتماعی بود. این بحث در دوره اصلاحات به‌تدریج از ادبیات چپ حذف می‌شود. کاملاً درست است. این چرخش قبل از دوران اصلاحات رخ داد به‌گونه‌ای که حتی در کمین‌ان خاتمی اولونی به عدالت اجتماعی داده نشد. جالب این‌که وزرای آقای خاتمی نیز بیش از هر چیز خود را میراث‌دار و ادامه‌دهنده سیاست اقتصادی هاشمی خواندند.

۴ چرا به این نگاه رسیدید؟

دلایلش البته در مقالات آن زمان روزنامه سلام بیان شد. به نظر ما نقطه کانونی مشکلات کشور از جمله توسعه‌یافتگی ریشه در سیاست ذاتی داشت. اتفاقاً آقای هاشمی به نوعی بنیان‌گذار خط میانه و گرایش اعتدالی در کشور هم بود که به نظر ما مانعی بر سر راه تفکر تندروهای راست بود بنابراین کار ویژه سیاسی وی برپایمان اهمیت داشت. همان موقع هم از برنامه ایشان برای آزادسازی اقتصادی حمایت می‌کردیم چون ناکارآمدی اقتصاد دولتی برابر دیگر روش‌ن شده بود. در همان مجلس سوم ما می‌گفتیم پروسترویکی بدون گلاسنوست (اصلاحات سیاسی) بی‌معناست. آخرین سال دولت هاشمی، برای جریان چپ سال سختی بود. ماجرای اتوبوس روشنفکران و نویسندگان و چندین مورد مشابه دیگر و همچنین تهیه و پخش برنامه هویت از تلویزیون کاسه صبر همه را لبریز کرد. در جمع‌بندی نهایی جریان چپ ضروری دید در انتخابات به جای شعار عدالت اجتماعی از شعارهایی در قانون‌گرای، آزادی‌های فرهنگی اجتماعی، تقویت جامعه مدنی و توسعه سیاسی دفاع کند. ترجیح بند همه آنها نیز شعار هوشمندانه ایران برای ایران‌پا بود. البته این جهت‌گیری در انتخابات ۸۴ سال بعد یعنی ۱۳۸۴ جواب داد. طبقات تهیدست شهری و روستایی که ذیل پرچم توسعه سیاسی و قانون‌گرایی نتوانسته بودند موقعیت حاشیه‌ای خود را درگروں سازند رفتند سراغ کسی که از آمال و آرزویشان سخن می‌گفت.

۴ دقیقاً پرچم عدالت را جریان نوظهور اصولگرایی در آن مقطع به دست می‌گیرد و با همان سیاست‌های توزیعی بخش زیادی از مردم را حامی خود می‌کند یعنی باوام‌گرفتن از همان دیدگاهی که شما داعیه‌دار آن بودید. این می‌تواند برگ برنده‌ای برای جریان نوظهور اصولگرایی باشد.

تا حدودی درست است. در دوره احمدی‌نژاد سعی شد وفاداری از طریق سیاست توزیع کالا و پول و دادن وام‌های زودبازده جلب شود ولی کیست که نداند عدالت

سیاست

هاشمی ومنتقدان چگونه به‌هم رسیدند



علی‌رضا روحانی، رئیس‌جمهوری

اجتماعی را نمی‌توان تنها به عدالت توزیعی آن هم توزیع پول و کالا تقلیل داد. مسائل بنیادی مانند عدالت را نباید ساده‌سازی کرد. مشکل اصلی در فهم و تبیین عدالت همین تعریف تک‌وجهی از عدالت اجتماعی است. تردیدی نیست توزیع منصفانه زیربنای همبستگی و اتحاد جامعه است چه بدون آن ممکن است رشد اقتصادی داشته باشیم ولی کماکان افشار گسترده مردم همچنان در فقر و محرومیت به سر ببرند. یا این‌که از پیشرفت و ترقی اقتصادی در تریون‌ها سخن بگویند اما احساس فقر و ورشکستگی رمق جامعه را گرفته باشد. از نظر ما توزیع منصفانه تنها پس از تولید و رشد اقتصادی امکان‌پذیر است وگرنه در یک اقتصاد غیر مولد کلنگی و مبتنی بر رانت نفت عدالت توزیعی در بهترین حالتش بسان شیوه احمدی‌نژادی تنها به توزیع عادلانه فقر می‌انجامد. توزیع منصفانه هم وقتی معنا پیدا می‌کند که پای تولید و رونق اقتصادی در کار باشد. برای محافظه‌کارانی که جهان‌بینی‌شان بر وجود فاصله طبقاتی و نابرابری صحه می‌گذارد و آن را امری طبیعی می‌شناسند عدالت توزیعی چیزی فراتر از پرداخت صدقات و اعانات نیست.

۴ در ۸۴ چه اتفاقی می‌افتد که همه منتقدان هاشمی در یک جنبش شش‌روزه تصمیم می‌گیرند از او حمایت کنند؟ احساس خطر از پیشروی تندروها آنها را بر سر عقل آورد تا به اجماع تاکتیکی دست بزنند.

۴ پیوند هاشمی و اصلاح‌طلبان از اینجا شروع می‌شود؟ شکست تلخ انتخابات ۸۴ برای همه درس‌های زیادی داشت ولی به پیوند استراتژیک تبدیل نشد. بعدها این پیوند مستحکم‌تر شد.

۴ منظور سؤالم این است که آیا آقای هاشمی در ۸۴ تغییر کرده بود که اصلاح‌طلبان که به او پیوستند یا نه روی‌کارآمدن جریان رادیکال باعث شد دو دیدگاه به هم نزدیک شوند؟ به نظر من روشن است تز مدیریت جهانی احمدی‌نژاد که جدی‌تر شد و هراس از جنگ کشور را در بر گرفت، دو دیدگاه به هم نزدیک شدند و البته در پاره‌ای موارد مواضعشان هم تغییر کرد. اصلاح‌طلبان بی بردن که نباید چشم بر ظرفیت‌های مثبت هاشمی می‌بستند او هم دریافت ظرفیت‌های اجتماعی اصلاح‌طلبان را نباید دست‌کم می‌گرفت.

۴ می‌شود آقای هاشمی را در این طرف معادله قرار داد. یعنی از ۸۴ تا ۸۸ هاشمی خیلی تغییر می‌کند و تغییرات خیلی ملموس است که البته بر همان سیستم هم باقی می‌ماند و این روش را تغییر نمی‌دهد. در این برش چه اتفاقی می‌افتد؟

طبعاً در شرایط غیر نرمال و در موقعیتی که منافع ملی به خطر افتد هاشمی که مظهر مصلحت‌اندیشی و عقلانیت ابزاری است این طرف معادله قرار می‌گیرد. اما در شرایط عادی که پروژه دموکراسی‌خواهی دستور کار اصلاح‌طلبان است نسبت هرسک با استانداردهای توسعه سیاسی است که ملاک رفاقت واقع می‌شود. احمدی‌نژاد تلاش کرد قواعد و روال‌ها را چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی به هم بریزد. ازاین‌رو کشور برای بازگشت به حالت عادی هزینه سنگینی پرداخت. تجربه موفق انتخابات ۹۲ و ۹۴ نشان داد هرچه این ائتلاف پایدارتر باشد پیروزی قابل دسترس‌تر است.

۴ تغییری که در هاشمی رخ می‌دهد تغییر ماهوی است یا در واقع نگرانی از بروز اندیشه‌ای که تازه به

۴ فقدان آقای هاشمی در جریان اصلاح‌طلب و انتخابات پیش رو چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

غیبت آقای هاشمی قطعاً شرایط اصلاح‌طلبان را سخت‌تر می‌کند اما یک نیروی سیاسی باید اتکانش به انسجام درونی و استحکام مواضع خودش باشد. فقدان ایشان کار اصولگرایان میانه‌رو را نیز سخت‌تر و پیچیده‌تر خواهد کرد. اغلب اصولگرا‌ها هم تا قبل از جدایی از احمدی‌نژاد بر این باور بودند که رویکرد جدید هاشمی موجب بی‌توجهی یا کم‌توجهی نسل جوان به باورهای دینی و ارزش‌های سنتی و حتی انقلابی خواهد شد. اما بعد از آن بلاهایی که احمدی‌نژاد با عنوان معجزه هزاره سوم به عنوان ناجی انقلاب بر سرشان آورد متوجه اهمیت موقعیت و نقش ائتلاف‌ساز هاشمی برای عبور از آن بن‌بست و عادی‌سازی اوضاع کشور شدند. تشییع جنازه آقای هاشمی هم نشان داد که مردم قدر او را بیش از گذشته دانسته و حضورش را برای ثبات سیاسی و آینده کشور ضروری می‌دانند. ولی من و شما باید یادمان باشد که سیاست پیچیده‌تر از آن است که بتوان با یک منطق خطی آن را تحلیل کرد. بخشی از مشروعیت هاشمی از صلاحیت تاریخی‌اش در پیشبرد و تثبیت انقلاب و نظام سیاسی برآمده از آن و نزدیکی‌اش به امام خمینی رهبر فقید انقلاب می‌آمد. او به‌دلیل نقشش تعادل بخش و اجماع‌سازی که در سال‌های اخیر داشت هاشمی شد. یادمان هودی که او پیش‌تر گفتم او هم فرمانده جنگ بود و هم مبتکر صلح. جایگزین‌کردن فردی به جای هاشمی واقعاً دشوار است مگر آنکه اشخاصی پیدا شوند که شی و منش آنها در عبور‌دادن جامعه از آشفتگی و بی‌ثباتی برای مردم به اثبات رسیده باشد. این صلاحیت در عبور‌دادن جامعه از بحران‌هاست که کسب می‌شود و شخصی را به موقعیت‌ی لبردی و سرگردگی یک جمعیت با جنبش می‌رساند. عبور‌دادن جامعه از موقعیت آشفته و پراپه‌ام، ناامن و دلهره‌آور به سوی آینده‌ای پر از امید و روشن است که کاریزما می‌سازد.

۴ بر این اساس، جانشین هاشمی در جریان اصلاح‌طلب و جامعه مدنی باید به مرور ساخته شود؟

درست است. باید دقت کرد که جامعه در حال گذار است. ارزش‌ها و روش‌ها هم می‌توانند تغییر یابند و نوسازی شوند. یادتان که نرفته قبل از دوم خرداد ۷۶ نزدیک انتخابات که می‌شد مکانیسم‌های مبتنی بر شیخوخت و ریش‌سفیدی از قبل رئیس‌جمهور احتمالی را مشخص می‌کرد و باقی کاندیداهای رقبای نمایشی می‌شدند. از دوم خرداد ۷۶ به این طرف نگاه به انتخابات کاملاً تغییر کرده است. رفتار جامعه و رفتار انتخاباتی مردم دائماً مسئولان را غافلگیر ساخته است. به‌رغم این که بدنه اصلاح‌طلبان سعی دارد از فلسفه نخبه‌گرایی و دایره‌های بسته مدیریتی فاصله بگیرد اما نباید از سرمایه‌های مهم و تأثیرگذار که داریم مانند روح دولت اصلاحات پدر معنوی اصلاح‌طلبان را در سطح جوان‌تر اشخاص دانشمند و باسوادی مانند آقای سیدحسن خمینی غفلت کرد. شخصیتی که از این زاویه به هاشمی نزدیک است.

۴ ولی او الان قدرت چانه‌زنی ندارد...

خوب آقای هاشمی هم این اواخر قدرت چانه‌زنی‌اش کم‌رنگ شده بود. مهم این بود که نظام اصلاح‌داشت او‌قدرت تجمیع‌ساز را در میان نیروهای سیاسی و تعادل‌بخشی به سیستم را دارد. دیدید که چگونه مقام معظم رهبری در پیامشان از اختلاف نظرات خود با مرحوم هاشمی به‌عنوان اختلافات اجتهادی یاد کردند. در حالی که افراطیون انتظار داشتند عمق این اختلاف‌ها بنیادی‌تر از این تعبیر باشد. به نظر باید تلاش کرد این اعتماد تسری پیدا کند. این اصلاح رابطه ضروری و حیاتی است. باید کاری کرد که در معادلات آینده سیاسی کشور قدرت حقوقی و حقیقی تندروها کاهش یابد. دیدید چگونه موج فراگیر هم‌دردی مردمی نسبت به فقدان هاشمی عیان کرد که هاشمی هراسی کمترین تأثیر را داشته است. شاید بهتر است بگویم انبوه شرکت‌نگان در مراسم تشییع نوعی ابراز امتناع عمومی از روش و اندیشه جریان‌های افراطی بود که طی سالیان درازی علیه هاشمی کارزار به راه انداخته بودند و او را با برخی برچسب‌ها تخریب می‌کردند.

۴ این فردی که نقش ائتلاف‌ساز را بازی می‌کند باید چیزی‌ها جدید را تعریف کند. نمی‌تواند کسی که حالا می‌خواهد این نقش را ایفا کند یک گوشه بنشیند و فقط رهبر اپوزیسیون باشد.

ببینید آقای خاتمی همچنان جانانه از قانون‌گرایی و قانون اساسی و محوریت مقام معظم رهبری در پیشبرد امور انقلاب و کشور سخن می‌گوید. یادمان نرود او در به‌قدرت‌رساندن روحانی با مرحوم هاشمی هم‌داستان شد. در مورد پیامدهای غیرقابل کنترل تحریم‌ها و انزوای کشور که ناشی از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل بود بارها ابراز نگرانی کرد و تذکر داد. به حمایت صریح از مذاکرات دیپلماتیک ایران با گروه ۵+۱ و به‌خصوص دستاورد تفاهم تاریخی برجام پرداخت. به نظر ما دلایل کافی وجود دارد که انتظارات او برکردن خلا ناشی از فقدان مرحوم هاشمی برآورده خواهد شد.

۴ یعنی ایشان باید در نقش خود تغییر ایجاد کند؟ خب ایشان که نه خودش می‌پذیرد و نه دیگران اعتقاد دارند که رهبر اپوزیسیون است و بارها در برابر اندیشه‌های برانداز و رادیکال موضع‌گیری صریح کرده است. پس چرا این نقش تاریخی خود را بازتعریف نکند. به نظر ما دست فرمان تمایل به اعتدال و ترجیح منافع ملی بر منافع گروهی از این موقعیت نگران کننده عبور خواهیم کرد. یادمان نرود که با وجود ترامپ و پوتین دنیا خطرناک‌تر و بی‌ثبات‌تر از گذشته خواهد شد. سهل‌انگاری در حفظ منافع ملی و ناتوانی از اجرایی کردن کامل تفاهم برجام می‌تواند بازی خسارت‌بار را در کشورهای منطقه و ملت‌های ساکن آن تحمیل کند.

خبر

رزمایش پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه؛ در آینده نزدیک



● **سپاه‌نیوز:** سردار امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، در یادواره هزارو ۶۰۰ شهید، ۲۲ سردار و پنج شهید مدافع حرم شهرستان سبزوار گفت: «اگر ما از مسئولان نظام حمایت می‌کنیم این حمایت تا زمانی است که مسئولان حافظ دستاوردهای ولایت باشند و در خط ولی فقیه حرکت کنند». فرمانده نیروی هوافضای سپاه افزود: «وقتی ما راه امام خمینی را در پیش گرفتیم، عزت و سربلندی نصیبمان شد و برای همین بود که چند ماه پس از پیروزی انقلاب، تمام دنیای غرب و شرق به سرکردگی آمریکا و شوروی و کشورهای مترجع عرب با تمام توان برای مقابله با این انقلاب به رژیم صدام کمک کردند». او با بیان اینکه تمام پولی که برای اداره جنگ هشت‌ساله خرج کردیم به اندازه یک‌سوم پولی بود که عربستان به رژیم صدام کمک کرد، افزود: «کشورهای غربی کمک‌های فراوانی به رژیم بعث در تأمین سلاح و مهمات و پشتیبانی اطلاعاتی و جاسوسی به وسیله هواپیماهای آمریکایی کردند و این‌ن بود که ما در تحریم کامل بودیم».

درگیر جنگ‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و سایبری هستیم

او ادامه داد: «اینکه گفته می‌شود ما در جنگ برای تأمین سیم خردار هم مشکل داشتیم افسانه نیست، بلکه واقعیت است، اما امر ولایت بر ایستادگی و مقاومت بوده. او با طرح این سؤال که آیا ما امروز هم درگیر جنگ هستیم، تصریح کرد: «ما درحال‌حاضر درگیر جنگ‌هایی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، سایبری و بخش‌های نیمه‌سخت هستیم. شاید امروز درگیر جنگ سخت نباشیم، اما جنگ در جبهه‌های دیگر شعله‌ور است». حاجی‌زاده اضافه کرد: «امروز در حوزه ناامن‌سازی، پول‌های زیادی از سوی آل‌سعود، برخی کشورهای منطقه، رژیم صهیونیستی و آمریکا هزینه می‌شود که اگر درست عمل نکنیم شاهد حوادثی نظیر آنچه در ترکیه، سوریه و عراق رخ داد در کشورمان خواهیم بود».

چرا دشمنی آمریکا جدی گرفته نمی‌شود

او افزود: «باید این سؤال را پرسید که چرا الگوی صحیح و درست به سایر بخش‌ها گسترش نمی‌یابد و چرا دشمنی آمریکا جدی گرفته نمی‌شود، چرا برخی فکر می‌کنند ملت ایران توان حل مشکلات خود را ندارد، چرا تصور می‌شود حل مشکل امروز کشور سخت‌تر از دوران دفاع مقدس است». فرمانده نیروی هوافضای سپاه گفت: «ما آن دوران را به سربلندی طی کردیم و در طول هشت سال جنگ تحمیلی حتی یک وجب از خاک کشورمان نیز جدا نشد درصورتی‌که تا پیش از انقلاب در هر جنگی قطع‌ه‌ای از سرزمین ایران جدا می‌شد». او افزود: «تنها جنگی که با عزت اداره شد و به پیروزی ختم شد، همین جنگ تحمیلی هشت‌ساله است، بنابراین آیا این نمی‌تواند یک الگو باشد. چرا فکر می‌کنیم با روش‌های غربی می‌توان مشکلات را حل کرد». فرمانده نیروی هوافضای سپاه گفت: «امروز همه افشار و گروه‌های سیاسی بر این باورند و سا بارها این را شنیده‌ایم که مشکل اقتصاد، اشتغال و بی‌کاری با تولید حل می‌شود؛ پس چرا با ذوق‌زدگی تمام به استقبال کالاهای خارجی می‌رویم که باعث تحقیر ملت ایران است».

به‌عنوان یک کهنه‌سرباز اعتراض داریم

حاجی‌زاده اضافه کرد: «ما منکر خرید کالای خارجی نیستیم، آنچه نیاز کشور است باید بخریم، اما ذوق‌زدگی و استقبال آنچنانی در مقابل دیدگان غرب معنا ندارد و باید این سؤال را پرسید که چرا غرور یک ملت را به این شکل جریحه‌دار می‌کنند». او گفت: «ما به‌عنوان یک کهنه‌سرباز به این نگاه اعتراض داریم و می‌گوییم باید از اقدامات جنانان و متخصصان در داخل کشور تجلیل شود». فرمانده نیروی هوافضای سپاه ادامه داد: «در آینده نزدیک رزمایش بزرگ پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه اجرا می‌شود و در این رزمایش تقریباً تمام سامانه‌های پدافندی اعم از رادار، فرماندهی و مرکز کنترل و تجهیزات موشکی زمین‌به‌هوا از سوی همین متخصصان و نخبگان ایرانی ساخته شده است». او در ادامه گفت: «ما از این دست اقدامات بسیار زیاد داریم و اگر قرار است روزی را برای شکرگزاری اختصاص دهیم باید همین خودکفایی در حوزه پدافند را انتخاب کنیم». حاجی‌زاده تأکید کرد: «اقدامات در حوزه پدافندی صدها‌برابر سخت‌تر از حوزه موشک‌های زمین‌به‌زمین و فناوری هوایپما‌های بدون سرنشین است». فرمانده نیروی هوافضای سپاه افزود: «ما اگر می‌خواهیم در این جبهه‌ها پیروز باشیم، باید دست به دست هم دهیم و مسئولان نیز از این الگوهای موفق استفاده کنند».